



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه حقوق برای بین الملل

Volume 3, Issue 1, 2025

Countering the Financing of Terrorist Groups Resulting from the Commission of Organized Crimes in the International Legal System

Abolfazl Ghahari¹, Hamed Golijani Moghadam^{*2}, Nima Molayi³

1. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Islamic Law, Tonekabon Branch, Islamic Azad University, Tonekabon, Iran.

2. Instructor, Tonekabon Branch, Islamic Azad University, Tonekabon, Iran. (Corresponding Author)

3. M.A, Tonekabon Branch, Islamic Azad University, Tonekabon, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 131-145

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0000-0000-0000

TELL: +989112921325

Email:

hamed.moghadam1362@yahoo.com

Article history:

Received: 13 Sep 2024

Revised: 22 Nov 2024

Accepted: 26 Jan 2025

Published online: 21 Mar 2025

Keywords:

Terrorism, Organized Crime, Financing, International Law.

ABSTRACT

The growing link between terrorism and organized crime has become a serious threat to international peace, stability and security. Although the nature of these two criminal phenomena is different, in that terrorism has political-ideological motives and organized crime has utilitarian motives for the perpetrators, this difference has never been able to prevent the convergence of these two phenomena. The present study, using a descriptive-analytical method, seeks to answer the fundamental question of what is the main motive for the intervention of terrorist groups in various forms of organized crime. Studies have shown that since the end of the Cold War and the limitation of financial resources, especially the reduction of financial support from states that support terrorism, committing organized crime has become the main priority of terrorist groups for their financing and is considered the focal point of the link between terrorism and organized crime. The results of the study show that currently, given the increasing importance of financing in the growth and spread of international terrorism, combating organized crime is considered a necessity of the global fight against terrorism.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2025 The Authors.

How to Cite This Article: Ghahari, A; Golijani Moghadam, H & Molayi, N (2025). "Countering the Financing of Terrorist Groups Resulting from the Commission of Organized Crimes in the International Legal System". *Journal of International Criminal Law*, 3(1): 131-145.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران

فصلنامه حقوق جزای بین الملل

www.iclj.ir



فصلنامه حقوق جزای بین الملل

دوره سوم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

مقابله با تأمین مالی گروه‌های تروریستی ناشی از ارتکاب جرایم سازمان یافته در نظام حقوق بین الملل

ابوالفضل قهاری^۱، حامد گلیجانی مقدم^{۲*}، نیما مولایی^۳

۱. استادیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران.

۲. مربی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. کارشناسی ارشد، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران.

چکیده

پیوند در حال گسترش میان تروریسم و جرایم سازمان یافته به یک تهدید جدی علیه صلح، ثبات و امنیت بین المللی تبدیل شده است، اگرچه ماهیت این دو پدیده مجرمانه متفاوت است، به نحوی که تروریسم دارای انگیزه‌های سیاسی - ایدئولوژیک و جرایم سازمان یافته دارای انگیزه‌های سودگرایانه برای مرتکبان است، اما این تفاوت هرگز نتوانسته مانع همگرایی این دو پدیده گردد. پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی به دنبال پاسخ به این پرسش اساسی است که چه عاملی انگیزه اصلی مداخله گروه‌های تروریستی در اشکال مختلف جرایم سازمان یافته است. بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد از زمان پایان جنگ سرد و محدود شدن منابع مالی به ویژه کاهش حمایت‌های مالی از سوی دولت‌های حامی تروریسم، ارتکاب جرایم سازمان یافته به اولویت اصلی گروه‌های تروریستی جهت تأمین مالی خود تبدیل شده و نقطه کانون پیوند تروریسم و جرایم سازمان یافته محسوب می‌شود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در حال حاضر باتوجه به اهمیت فزاینده تأمین مالی در رشد و گسترش تروریسم بین المللی، مقابله با جرایم سازمان یافته از ملزومات مبارزه جهانی با تروریسم محسوب می‌شود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۳۱-۱۴۵

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید:

تلفن: +۹۸۹۱۱۲۹۲۱۳۲۵

ایمیل:

hamed.moghadam1362@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۲۳

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۹/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۰۱

واژگان کلیدی:

تروریسم، جرایم سازمان یافته، تأمین مالی، حقوق بین الملل.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

تروریسم هزینه‌بردار است. تهیه منابع لجستیکی، تأمین سلاح، عضوگیری و بعضاً پرداخت دستمزد اعضا، تهیه خانه‌های امن، ایجاد پایگاه‌های آموزشی و عملیاتی، پرداخت رشوه به مأموران فاسد دولتی و سایر ملزومات جهت تداوم ارتکاب فعالیت‌های تروریستی به شدت به وجود منابع مالی متکی است. به همین خاطر بسیاری از تحلیلگران پول را «شریان حیات» سازمان‌های تروریستی توصیف کرده‌اند. تقریباً همه گروه‌های تروریستی برای بقا، تداوم حملات و دستیابی به اهداف سیاسی - ایدئولوژیک خود تلاش می‌کنند و در این مسیر به منابع مالی اعم از منابع قانونی یا غیرقانونی نیازمند هستند.

با تصویب کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم (۱۹۹۹) که دولت‌ها را ملزم به قطع شریان‌های مالی گروه‌های تروریستی نموده است، بسیاری از دول حامی گروه‌های تروریستی در دهه ۹۰ میلادی تحت فشار جامعه جهانی دست از حمایت مالی از این گروه‌ها کشیدند و در نتیجه بسیاری از گروه‌های تروریستی مجبور شدند تا از روش‌های دیگری جهت تأمین منابع مالی خود استفاده نمایند. در این میان ارتکاب فعالیت‌های مجرمانه سازمان‌یافته به‌ویژه قاچاق مواد مخدر، قاچاق سلاح، اخاذی و ... به اولویت اصلی گروه‌های تروریستی تبدیل شد، به نحوی که به تدریج جامعه جهانی شاهد شکل‌گیری موجودیت‌های غیرقانونی جدیدی تحت عنوان «گروه‌های ترکیبی تروریستی - جنایی» شد. گروه‌هایی که از یک سو دارای انگیزه‌های ایدئولوژیک - سیاسی بوده و از سوی دیگر سودگرایی که ویژگی بارز گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته است را نشان می‌دادند و در این میان تأمین مالی هسته مرکزی پیوند گروه‌های تروریستی و جرایم سازمان‌یافته محسوب می‌شود. دفتر مقابله با قاچاق مواد مخدر و جرم سازمان ملل در گزارش سال ۲۰۱۲ خود صراحتاً اعلام نمود که بدون تردید ارتباطاتی میان گروه‌های تروریستی و جرایم سازمان‌یافته وجود دارد که هدف اصلی آن تأمین مالی تروریسم است.

پژوهش حاضر درصدد است تا ضمن معرفی شیوه‌های تأمین مالی گروه‌های تروریستی، به‌طور خاص نقش ارتکاب فعالیت‌های مجرمانه سازمان‌یافته در تأمین مالی گروه‌های

تروریستی را مورد بررسی قرار داده و در نهایت مقابله با این موضوع را در نظام حقوق بین‌الملل مورد واکاوی قرار می‌دهد.

۱- مفاهیم

۱-۱- مفهوم تروریسم

تروریسم پدیده مجرمانه پیچیده‌ای است که با تلفیق خشونت و انگیزه‌های سیاسی - ایدئولوژیک برای دهه‌ها عنوان مهم‌ترین تهدید بالفعل علیه صلح، ثبات و امنیت بین‌المللی را به خود اختصاص داده است، اگرچه خشونت و وحشت‌آفرینی جان‌مایه تعریف لغوی ترور می‌باشند و به‌عنوان ستون‌های هرگونه تعریفی از تروریسم محسوب می‌شوند، اما محتوای تعاریف ارائه شده از تروریسم اغلب متفاوت بوده است، به نحوی که علی‌رغم تلاش‌های بسیار زیادی که صورت گرفته، جامعه جهانی تا به کنون هرگز نتوانسته است به یک اجماع و اتفاق نظر در مورد تعریف تروریسم دست یابد. امری که در حال حاضر به یکی از مهم‌ترین موانع در راستای مبارزه جهانی با تروریسم تبدیل شده است. بروس هافمن در تعریف تروریسم می‌گوید: «تروریسم عبارت است از ایجاد عمدی و بهره‌برداری از ترس و وحشت از طریق خشونت و یا تهدید به خشونت به منظور ایجاد تغییر سیاسی» (Hoffman, 1988: 43).

علی‌رغم عدم اجماع جهانی در مورد مفهوم تروریسم، نظام حقوق بین‌الملل با تدوین کنوانسیون‌های سیزده‌گانه تصویب شده از سوی مجمع عمومی سازمان ملل که اشکال و گونه‌های مختلف تروریسم را هدف قرار داده، به‌همراه قطعنامه‌های الزام‌آور شورای امنیت به‌ویژه قطعنامه ۱۳۷۳ که بعد از حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تصویب شده است، توانسته است که مکانیزم حقوقی نسبتاً مناسبی را جهت مقابله با این پدیده به‌وجود آورد.

۱-۲- مفهوم جرایم سازمان‌یافته

کنوانسیون مقابله با جرایم سازمان‌یافته فراملی (۲۰۰۰) موسوم به کنوانسیون پالرمو مهم‌ترین سند حقوقی بین‌المللی است که در راستای مقابله با جرایم سازمان‌یافته به‌وجود آمده است. این کنوانسیون بدون این‌که تعریفی از این جرایم ارائه دهد، مقرر می‌دارد که: گروه مجرمانه سازمان‌یافته به گروه تشکیل‌یافته از ۳ نفر یا بیشتر اطلاق می‌شود که برای یک دوره زمانی

این فعالیت‌ها می‌توانند دو کارکرد مثبت دیگر را نیز برای گروه‌های تروریستی به‌همراه داشته باشند: اولاً کسب و کارهای قانونی می‌توانند پول سرمایه‌گذاری‌شده را فارغ از این که از منابع قانونی یا غیرقانونی به‌دست آمده باشد را در خود پنهان و منتقل نمایند؛ ثانیاً می‌توانند به نوبه خود برای گروه‌های تروریستی کمک‌های عملیاتی را مهیا سازند. به‌عنوان مثال کارخانه‌های تولیدی که از جانب این گروه‌ها تأسیس و اداره می‌شوند، می‌توانند مواد و اقلام مورد نیاز برای تولید مواد منفجره را فراهم نمایند. به همین ترتیب شرکت‌های واردات و صادرات می‌توانند به قاچاق مخفیانه سلاح کمک نمایند. برای گروه‌های تروریستی مداخله در فعالیت‌های قانونی جهت تأمین مالی خود به‌ویژه از نظر امنیتی بسیار حائز اهمیت است، چراکه این فعالیت‌ها کاملاً قانونی محسوب می‌شوند و دولت‌ها نمی‌توانند آن را هدف قرار دهند. در بسیاری از موارد ایجاد کسب و کارهای غیرقانونی هم به پوشش فعالیت‌های غیرقانونی این گروه‌ها کمک می‌کند و هم برای اعضای این گروه اشتغال فراهم نموده است. به‌عنوان مثال القاعده دارای یک شرکت هولدینگ به‌نام وادی العقیق در آفریقا، یک شرکت ساختمانی به‌نام الحراج در سودان، یک مزرعه پرورش شترمرغ در کنیا، مزارع کشاورزی در تاجیکستان و افغانستان بوده است (Schneider & Caruso, 2011: 34). در مثالی دیگر، ارتش جمه‌پوری‌خواه ایرلند مالکیت یک شرکت تاکسی‌رانی با حدود ۶۰۰ تاکسی و راننده را در ایرلند برعهده داشت (Freeman, 2011: 469).

از سوی دیگر اشتغال تولیدشده باعث می‌شود که از یک‌سو منابع مالی مناسبی نصیب گروه‌های تروریستی شود و از سوی دیگر محبوبیت و سرمایه سیاسی این گروه‌ها را که به‌شدت در جوامع محلی به‌دنبال آن هستند، ارتقا دهد. علاوه‌بر ارائه یک درآمد ثابت، کسب و کارهای قانونی می‌توانند به ترویج ایدئولوژی گروه و عضوگیری این گروه‌ها یاری برساند و در این راه مالکیت اماکنی همچون رستوران‌ها، سینماها و ... محیطی مناسب برای عضوگیری آن‌ها محسوب می‌شود (FATF Report, 2021: 14).

۲-۲- دولت‌های حامی تروریسم

مشخص وجود داشته و با هدف ارتکاب یک یا چند جرم یا تخلف شدید مندرج در این کنوانسیون به‌منظور تحصیل مستقیم یا غیرمستقیم منفعت مالی یا منافع مادی به‌صورت هماهنگ فعالیت می‌کند (ماده ۲، بند اول). با استناد به مفاد ماده ۲ کنوانسیون پالرمو ویژگی‌های جرایم سازمان‌یافته فراملی را می‌توان به قرار زیر دانست:

۱- غیرایدئولوژیک بودن سازمان یا گروه مجرمانه؛ ۲- وجود سلسله‌مراتب؛ ۳- استمرار جرم در طول زمان؛ ۴- ارتکاب فساد اداری؛ ۵- استفاده از خشونت؛ ۶- ارتکاب جرم با هدف کسب منافع مالی و مادی؛ ۷- فراملی بودن.

۱-۳- تأمین مالی تروریسم

مقابله با تأمین مالی تروریسم یکی از بایسته‌های مبارزه جهانی با تروریسم بین‌المللی است. از این رو سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۹ با تدوین کنوانسیون سرکوب تأمین مالی تروریسم دولت‌ها را ملزم به ممنوعیت تأمین مالی گروه‌های تروریستی نموده است. در مورد تعریف تأمین مالی تروریسم، از ماده ۲ کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم این تعریف قابل استنباط است: ارائه یا جمع‌آوری وجوه، به هر وسیله، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم برخلاف قانون و به‌طور عمد، به قصد یا با علم به این که به‌طور کلی یا جزئی صرف اجرای اعمال تروریستی گردد.

هدف این کنوانسیون خشکاندن سرچشمه‌های تأمین مالی تروریسم است. به‌همین منظور این کنوانسیون دولت‌های عضو را به جرم‌انگاری هرگونه تلاشی از سوی افراد برای جمع‌آوری منابع مالی برای گروه‌های تروریستی و همکاری مؤثر در پیگرد قانونی اقدامات تأمین مالی تروریسم ملزم می‌نماید.

۲- منابع تأمین مالی گروه‌های تروریستی

۲-۱- مشارکت در فعالیت‌های قانونی

اکثر گروه‌های بزرگ تروریستی در راستای تأمین منابع مالی خود در طیف وسیعی از فعالیت‌های مشروع و قانونی مشارکت دارند. مشارکت این گروه‌ها در کسب و کارهای قانونی کاملاً توجیه‌پذیر است، چراکه این کسب و کارها کاملاً قانونی، کم‌خطر، غیرمشکوک و به‌سختی قابل ردیابی می‌باشند، مضافاً

۲-۳- دریافت کمک‌های مالی از سوی اشخاص خصوصی و نهادهای خیریه

تقریباً تمامی گروه‌های تروریستی از حمایت هواداران خود چه در قلمرو جغرافیایی تحت کنترل آن‌ها و چه خارج از مرزهای ملی بهره‌مند می‌شوند. این حمایت‌ها چه به صورت حمایت مالی و چه لجستیکی معمولاً براساس اهداف مشترک طرفین اعم از مذهبی، قومی - نژادی یا ایدئولوژیک شکل می‌گیرد. دریافت کمک‌های مالی از سوی اشخاص خصوصی یا نهادهای خیریه از اصلی‌ترین شیوه‌های تأمین مالی گروه‌های تروریستی محسوب می‌شود (Aliu et al, 2017: 101).

گروه‌های تروریستی می‌توانند از شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های جمع‌آوری کمک‌های مالی به‌عنوان ابزاری برای درخواست کمک، دریافت و انتقال کمک‌های دریافتی از حامیان خود از سراسر جهان به حساب‌های امن استفاده نمایند. به‌عنوان مثال اشخاص وابسته به گروه داعش در توئیتر فراخوان‌هایی را منتشر کردند که هواداران این گروه در سراسر جهان از طریق اسکایپ با آن‌ها ارتباط برقرار نموده و پس از برقراری تماس آن‌ها از هواداران درخواست می‌نمودند که با استفاده از کارت‌های پرداخت بین‌المللی کمک‌های مالی خود را به حساب آن‌ها واریز نمایند. برخلاف تأمین مالی جمعی که از سوی گروهی از افراد صورت می‌گیرد، کمک‌های خصوصی معمولاً براساس برقراری تماس‌های شخصی میان اهداکننده و اعضای گروه‌های تروریستی است. برخی از گروه‌های تروریستی جهت مقابله با نفوذ نیروهای امنیتی قبل از هرگونه دریافت کمک از اشخاص خصوصی از طریق ارتباطات ایمیلی رمزگذاری شده از هویت و انگیزه اهداکننده اطمینان حاصل می‌کنند. واحد اطلاعات مالی دانمارک در سال ۲۰۲۰ یک تحقیق هدفمند از وضعیت تأمین مالی گروه‌های تروریستی در این کشور به‌ویژه گروه‌هایی که دارای ایدئولوژی نئونازیسم بودند را انجام داد و درنهایت یافته‌های این تحقیق نشان می‌داد که منبع اصلی تأمین مالی این گروه‌ها ناشی از کمک‌های حامیان آن‌ها بوده است، به‌نحوی که آن‌ها متوسط ۱۶ تا ۸۰ دلار به این گروه‌ها کمک می‌کردند (FATF Report, 2021: 12).

مدل تأمین مالی دولتی وضعیتی است که به‌موجب آن دولت‌ها به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در تأمین مالی گروه‌های تروریستی نقش‌آفرینی می‌کنند. این موضوع به‌ویژه در دوران جنگ سرد رایج بود، زمانی که کشورهای رقیب از تروریسم به عنوان ابزاری جهت پیشبرد سیاست‌های خود و تضعیف کشور رقیب استفاده می‌کردند، تأمین مالی دولتی زمانی اتفاق می‌افتد که اهداف استراتژیک و تاکتیکی دولت‌های حامی و گروه‌های تروریستی تحت حمایتشان منطبق و هم‌زمان می‌شود، مانند حمایت شوروی و متحدانش که در دهه ۹۰ از گروه‌های شورشی فعال در غرب اروپا صورت می‌گرفت (Aliu et al, 2017: 101).

آمریکا نیز در مقابل از تعدادی از گروه‌های شورشی، مانند کنتراها در نیکاراگوئه و مجاهدین در افغانستان حمایت می‌کرد. در دهه ۱۹۸۰ نیز دولت لیبی نیز از بسیاری از گروه‌های تروریستی در جهان همچون ارتش سرخ ژاپن و یا ارتش جمهوری‌خواه ایرلند حمایت می‌کرده است (Freeman, 2011: 465). از منظر یک سازمان تروریستی دریافت حمایت‌های مالی از دولت‌ها دارای مزایایی است، چراکه معمولاً میزان بودجه‌ای که دولت‌ها ارائه می‌دهند، بسیار قابل توجه است و از سوی دیگر روند دریافت چنین منابعی بسیار هماهنگ شده و آسان است و تروریست‌ها به‌سرعت به آن دست می‌یابند. در عین حال تأمین مالی دولتی برای گروه‌های تروریستی با معایبی نیز همراه است: اولاً یک دولت می‌تواند با حمایت مالی خود بر روند فعالیت این گروه‌ها تأثیر گذاشته و این گروه‌ها را تحت کنترل کامل خود دربیارد و آن گروه را عملاً وادار به انجام فعالیت‌هایی کند که منافع آن کشور را تأمین می‌کند؛ ثانیاً سیاست و رویه دولت‌ها همواره در حال تغییر است و ممکن است دولت‌ها با تغییر منافع و یا فشارهای بین‌المللی حمایت از گروه تروریستی را متوقف سازند.

از نمونه‌های بارز حمایت مالی دولت‌ها از گروه‌های تروریستی می‌توان به حمایت صدام حسین به سازمان منحوس مجاهدین خلق و به تازگی حمایت دولت ترکیه از تحریر الشام که منجر به سقوط رژیم بشار اسد در سوریه در سال ۲۰۲۴ شد اشاره کرد.

همان‌طور که قبلاً بیان شد، بعد از جنگ سرد بسیاری از کشورها از حمایت از گروه‌های تروریستی دست کشیده و در نتیجه گروه‌های تروریستی مجبور به پیدا کردن منابع جدید برای تأمین مالی فعالیت‌های خود شدند، چراکه موضوع مقابله با تأمین مالی تروریسم در دهه ۹۰ و به‌ویژه با تصویب کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم (۱۹۹۹) به‌شدت مورد توجه جامعه جهانی قرار داشت، لذا این کشورها حاضر به پذیرش ریسک قرار گرفتن در معرض تحریم‌های جهانی نبودند (Sari, 2013: 471).

همین علت باعث شده است که در حال حاضر بسیاری از گروه‌های تروریستی در طیف وسیعی از جرایم سازمان‌یافته، از جمله قاچاق مواد مخدر، تجارت سلاح، قاچاق انسان، قاچاق منابع طبیعی، اخاذی، گروگان‌گیری و ... جهت تأمین مالی خود مشارکت نمایند و عملاً شکل جدیدی از موجودیت‌های جنایی به‌شکل گروه‌های ترکیبی تروریستی جنایی متولد گردد. ترکیب تروریسم و جرایم سازمان‌یافته در این گروه‌ها آنچنان شدید است که تشخیص این‌که مابین انگیزه‌های ایدئولوژیک آن‌ها و سودگرایی کدام جنبه بر دیگری غلبه دارد، امری بس دشوار است. دبیر کل سازمان ملل متحد در گزارش سال ۲۰۱۵ خود معتقد است که در عمل تشخیص جنبه‌های فوق‌الذکر همیشه واضح نیست، چراکه برخی از گروه‌های تروریستی عمیقاً درگیر فعالیت‌های مجرمانه شده‌اند.^۱

موضوع مدخله تروریست‌ها در جرایم سازمان‌یافته جهت تأمین مالی ارتکاب اقدامات تروریستی علاوه بر این‌که در بُعد تروریسم سازمان‌یافته مشهود است، بلکه در بُعد تروریسم فردی نیز نمایان است. تحقیقات سام مولینز نشان می‌دهد که از ۴۷ مورد حمله تروریستی از سوی گروه‌های جهادی در کشورهای غربی بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶ نیمی از آن‌ها دارای سابقه کیفری بوده‌اند (Mullins, 2016: 26-30).

روش تأمین مالی دیگری که به‌طور معمول از کمک‌های اشخاص ناشی می‌شود، دریافت حق عضویت از اعضای گروه‌های تروریستی است که برعکس کمک‌های حامیان خارج از گروه که کاملاً به‌صورت داوطلبانه صورت می‌گیرد، اما در این روش اعضای گروه‌های تروریستی ملزم به پرداخت حق عضویت هستند، اگرچه این روش تأمین مالی کمتر در میان گروه‌های تروریستی رایج است و گروه‌هایی مثل داعش حتی به اعضای خود حقوق نیز پرداخت می‌کنند، اما در اندک مواردی شاهد بوده‌ایم که برخی از گروه‌های تروریستی از اعضای خود حق عضویت دریافت نموده‌اند (FATF Report, 2021: 13).

براساس گزارش گروه ویژه اقدام مالی (FATF) مواردی مورد شناسایی قرار گرفته‌اند که در آن‌ها گروه‌های تروریستی از برخی از نهادهای خیریه برای جمع‌آوری منابع مالی و دریافت حمایت‌های لجستیکی و همچنین عضوگیری و تبلیغ ایدئولوژی‌های آن‌ها استفاده می‌کنند. به‌عنوان مثال طالبان افغانستان از نهادهای خیریه واقع در کشورهای حوزه خلیج فارس بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیون دلار در سال تأمین مالی می‌شده است (Freeman, 2011: 470). همچنین مواردی وجود داشته است که این گروه‌ها اقدام به تأسیس نهادهای خیریه غیرواقعی و جعلی نموده و به‌صورت فریبکارانه از کمک‌های نقدی مردم به این نهادها منتفع شده‌اند. به‌عنوان مثال شبکه‌ای تحت عنوان صفا مشتمل بر ۱۰۰ نهاد خیریه بوده که بسیاری از آن‌ها فقط روی کاغذ وجود خارجی داشتند و کمک‌ها را به القاعده و سایر گروه‌های تروریستی اسلامی انتقال می‌دادند. در برخی از موارد نهادهای خیریه مورد نفوذ گروه‌های تروریستی قرار می‌گیرند، به‌نحوی که وجوه جمع‌آوری‌شده از سوی این نهادها به‌دلیل فساد برخی از اعضای آن‌ها به‌دست گروه‌های تروریستی می‌افتد. به‌عنوان مثال در سال ۲۰۱۱ مبلغ ۲۳/۰۰۰ دلار از وجوه جمع‌آوری‌شده از سوی یک مؤسسه خیریه اسلامی به‌دست گروه‌های وابسته به داعش افتاد (Windle, 2018: 3).

۲-۴- ارتکاب جرایم سازمان‌یافته

^۱- Report of the Secretary-General on the threat of terrorists benefiting from transnational organized crime S/2015/366, Part 8-10.

بوکوحرام در نیجریه اولویت اصلی تأمین مالی خود را بر مشارکت در قاچاق مواد مخدر بنا نهاده‌اند و عملاً این گروه‌های نارکوتروریستی هستند که قاچاقچیان اصلی مواد مخدر دنیا محسوب می‌شوند. در همین رابطه اداره مبارزه با مواد مخدر آمریکا در گزارشی اعلام کرده است که ۶۰ درصد از سازمان‌های تروریستی که توسط وزارت خارجه این کشور در لیست سازمان‌های تروریستی خارجی قرار گرفته‌اند، درگیر تجارت مواد مخدر هستند و در این میان ۱۹ سازمان از ۴۲ سازمان تروریستی خارجی مستقیماً در قاچاق مواد مخدر مشارکت دارند (Rana & Modisti, 2017: 2).

اگرچه تأمین مالی تروریسم اصلی‌ترین کارکرد قاچاق مواد مخدر در رشد و تقویت گروه‌های تروریستی محسوب می‌شود، اما تنها کارکرد آن نمی‌باشد. پشتیبانی و تأمین نیازهای لجستیکی ناشی از همکاری گروه‌های تروریستی با گروه‌های قاچاق مواد مخدر، تضعیف و بی‌ثبات کردن جامعه ناشی از ایدمی اعتیاد، عضوگیری از میان کشاورزان و قاچاقچیان مواد مخدر، کسب مشروعیت مردمی و سیاسی ناشی از حمایت گروه‌های نارکوتروریستی از کشاورزان فقیر مواد مخدر و درنهایت وادار کردن اعضا به مصرف مواد مخدر که باعث تحریک و تهییج آن‌ها جهت انجام عملیات‌های انتحاری می‌شود، همگی از مزایای مداخله گروه‌های تروریستی در قاچاق مواد مخدر محسوب می‌شود (گلیجانی مقدم و همکاران، ۱۴۰۲: ۹۷-۸۴).

نظام حقوق بین‌الملل با تدوین کنوانسیون واحد مواد مخدر نیویورک (۱۹۶۱)، کنوانسیون مواد روانگردان (۱۹۷۱) و به‌ویژه کنوانسیون مقابله با قاچاق مواد مخدر و مواد روانگردان (۱۹۸۸) تلاش نموده تا با این پدیده مجرمانه جهانی مقابله کند، اما در عمل این تلاش‌ها به‌علت گستردگی میزان عرضه و تقاضا، سودآوری هنگفت تجارت مواد مخدر و ضعف دولت‌ها در اجرای تعهدات بین‌المللی ضدقاچاق مواد مخدر با موفقیت قطعی همراه نبوده است. نقش قاچاق مواد مخدر در تأمین مالی گروه‌های مجرمانه به‌ویژه گروه‌های تروریستی آنچنان دارای اهمیت بوده که در مقدمه کنوانسیون مقابله با قاچاق مواد مخدر (۱۹۸۸) به‌عنوان تهدیدی علیه ثبات، امنیت و حاکمیت دولت‌ها

با این توضیح در گفتار بعدی تلاش خواهد شد که نه تمام جرایم، بلکه رایج‌ترین جرایم سازمان‌یافته ارتكابی از سوی گروه‌های تروریستی مورد بررسی قرار گیرد.

۳- بررسی رایج‌ترین اشکال جرایم سازمان‌یافته دخیل در تأمین مالی گروه‌های تروریستی

۳-۱- قاچاق مواد مخدر

تجارت بین‌المللی انواع مواد مخدر بعد از تجارت سلاح و مهمات سودآورترین معامله جهانی است. از این رو در فرایند اقتصاد جهانی جایگاه قاچاق مواد مخدر را نمی‌توان نادیده انگاشت و تداوم این تجارت به تقاضای مصرف بستگی دارد. هر چقدر تقاضای مصرف مواد مخدر افزایش یابد، بازار سیاه این تجارت مرگبار نیز رونق خواهد یافت (قهرمانی افشار و عزیزاده قلیلو، ۱۳۹۴: ۱۲۶). پیوند تروریسم و قاچاق مواد مخدر منجر به شکل‌گیری تهدیدی جدید علیه صلح و امنیت ملی و بین‌المللی تحت عنوان نارکوتروریسم یا تروریسم مواد مخدوری شده است. تا پیش از دهه هشتاد میلادی کمتر کسی از پدیده نارکوتروریسم سخن می‌گفت، اما به تدریج با وقوع حوادث تروریستی به‌ویژه در آمریکای لاتین که در اکثریت آن‌ها نقش قاچاقچیان مواد مخدر مشهود بود، اصطلاح نارکوتروریسم بر سر زبان‌ها افتاد. در همین راستا هارتلیوس یک تعریف ترکیبی از نارکوتروریسم را ارائه می‌دهد. به اعتقاد او نارکوتروریسم ترکیبی است از مجموعه‌ای از اقدامات شامل قاچاق مواد مخدر، خشونت و قدرت در هنگام تجارت مواد مخدر و به‌کارگیری غیرقانونی قدرت و زور در چنین مسیری که دموکراسی و حاکمیت قانون را تضعیف می‌کند (Hartelius, 2008: 3).

دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل در سال ۲۰۱۷ اعلام کرده است که بازار جهانی مواد مخدر ارزشی معادل ۴۲۶ تا ۶۵۲ میلیارد دلار داشته است (United Nations Office on Drugs and Crime, World Drug Report, 2017). چنین بازار پرسودی بی‌شک برای تمامی گروه‌های تروریستی دلربایی کرده و آن‌ها را به سمت خود جذب می‌کند. در حال حاضر اکثر سازمان‌های بزرگ تروریستی دنیا، از جمله القاعده در افغانستان، پ.ک. در ترکیه، فارک در کلمبیا، سندرو لیمونوزو در پرو، ببرهای تامیل در سریلانکا، ابوسیف در فیلیپین و

ناسامانی‌های سیاسی و به‌ویژه مخاصمات مسلحانه داخلی و بین‌المللی در سال‌های اخیر باعث شده است که گروه‌های تروریستی از قاچاق سلاح به خوبی منتفع شوند. به‌عنوان مثال در اکتبر ۲۰۱۴ گزارش‌ها حاکی از این بوده است که سلاح‌هایی که هواپیماهای آمریکایی برای کمک به نیروهای کرد در کوبانی ارسال کرده بودند، در نهایت به‌دست نیروهای داعش افتاد و این گروه که دارای منابع تسلیحاتی گسترده‌ای بوده است، برخی از آن‌ها را در بازارهای سیاه به فروش رساند و از این طریق منابع مالی قابل توجهی را به‌دست آورد (Clarke, 2020: 13).

نقش قابل توجه سلاح در تأمین مالی و قدرت‌گرفتن گروه‌های تروریستی قابل انکار نیست. به‌همین خاطر است که رییس شورای امنیت در بیانیه خود در ماه مارس ۲۰۲۰ در رسیدگی به موضوع «صلح و امنیت در آفریقا» تأکید می‌کند که آثار و چالش‌های ناشی از تجارت غیرقانونی سلاح‌های سبک و کوچک و انحراف آن‌ها به سمت گروه‌های تروریستی در قاره آفریقا به طرز قابل توجهی قابلیت‌های انجام اقدامات تروریستی مسلحانه را در گروه‌های تروریستی افزایش داده است.^۱

در نظام حقوق بین‌الملل، پروتکل علیه تولید غیرقانونی و قاچاق سلاح گرم و قطعات و مهمات الحاقی به کنوانسیون مقابله با جرایم سازمان‌یافته فراملی (۲۰۰۱)، برنامه اقدام برای جلوگیری، مقابله و ریشه‌کن‌سازی تجارت غیرقانونی سلاح‌های کوچک و سبک در تمامی جنبه‌های آن مصوب سازمان ملل متحد در ژوئن ۲۰۰۱ و همچنین معاهده تجارت اسلحه (۲۰۱۳) به‌عنوان مهم‌ترین اسناد حقوقی بین‌المللی درخصوص مقابله با قاچاق سلاح محسوب می‌شوند.

در میان قطعنامه‌های شورای امنیت، اگرچه قطعنامه ۲۳۷۰ در سال ۲۰۱۷ در حال حاضر مهم‌ترین سند حقوقی بین‌المللی درخصوص مقابله با تأمین تسلیحاتی گروه‌های تروریستی محسوب شده و در آن به پیوند تروریسم و قاچاق سلاح اشاره شده است، اما مستقیماً اشاره‌ای به نقش قاچاق سلاح در تأمین مالی گروه‌های تروریستی نداشته است. در عوض قطعنامه

از آن یاد شده است. کنوانسیون یادآور می‌شود که قاچاق مواد مخدر یک جرم بین‌المللی است که منافع و ثروت کلانی را برای سازمان‌های جنایی برون‌مرزی به‌دنبال دارد و آن‌ها را قادر می‌سازد تا در ساختار دولت‌ها، فعالیت‌های مشروع تجاری و کلیه سطوح جامعه نفوذ نمایند.

۳-۲- قاچاق سلاح

برای گروه‌های مسلح به‌ویژه گروه‌های تروریستی سلاح گرم ابزاری است که کارکردهای چندگانه‌ای دارد: اولاً این سلاح‌ها ابزاری برای ارتکاب خشونت و همچنین کنترل بر مردم و قلمرو سرزمینی محسوب می‌شود که گروه‌های تروریستی در آنجا حضور دارند؛ ثانیاً در اختیارداشتن سلاح گرم به ارتقای قدرت گروه‌های تروریستی در جدال با گروه‌های رقیب و به‌ویژه مقابله با دولت‌ها یاری می‌رساند؛ ثالثاً مداخله در قاچاق سلاح به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در تأمین مالی گروه‌های تروریستی نقش اساسی دارد. بسیاری از گروه‌های تروریستی به‌صورت مستقیم در قاچاق سلاح مشارکت دارند و از سرمایه‌های هنگفتی که در این تجارت پرسود غیرقانونی نهفته است، منتفع می‌شوند. از سوی دیگر ارتکاب سایر فعالیت‌های مجرمانه، از قبیل اخاذی، سرقت، گروگان‌گیری و قاچاق مواد مخدر بدون وجود سلاح عملاً غیرممکن است و از این باب نیز وجود سلاح به تأمین مالی گروه‌های تروریستی یاری می‌رساند. براساس گزارش‌ها از حدود ۸۰ میلیون تفنگ AK47 که امروزه در سراسر جهان در گردش است، اکثریت آن‌ها در انبارهای تسلیحات گروه‌های تروریستی قرار دارند. تجارت غیرقانونی سلاح گرم حدود ۲۰ درصد از کل تجارت سلاح سبک در دنیا را تشکیل می‌دهد که سالانه درآمدی بیش از یک میلیارد دلار را تولید می‌کند. چنین سود هنگفتی برای گروه‌های تروریستی بسیار حائز اهمیت است. به‌عنوان مثال ببرهای تامیل به‌عنوان یک دلال سلاح در منطقه جنوب آسیا شناخته می‌شود و اقدام به قاچاق سلاح و انتقال آن به سایر گروه‌های تروریستی، از جمله ابوسیف و شاخه‌های القاعده نموده است (Weiss, 2011: 88).

^۱- United Nations, Statement by the President of the Security Council, S/PRST/2020/5.

دلار از جامعه ایزدیان عراق درآمدزایی داشته است (FATF Report, 2018: 13-15)، مضافاً برایش ۲۰۰ دانش‌آموز از یک مدرسه در نیجریه توسط بوکوحرام و به بردگی جنسی گرفتن آن‌ها و فروش آن‌ها در بازارهای غیرقانونی از نمونه‌های بارز قاچاق انسان از سوی گروه‌های تروریستی می‌باشد.

شکل دیگری از قاچاق انسان که منابع مالی مناسبی را برای گروه‌های تروریستی فراهم می‌کند، انتقال و حمل و نقل مهاجرین از کشورهای مبدأ خود به کشورهای غربی است. در بسیاری از موارد مشاهده شده است که کسانی که از طریق این گروه‌ها به خارج فرستاده شده‌اند، با منجی‌تلقی کردن این گروه‌ها عملاً وابستگی زیادی به خط مشی و ایدئولوژی آن‌ها پیدا می‌کنند، به‌ویژه زمانی که از جانب این گروه‌ها در کشورهای پذیرنده مورد حمایت قرار بگیرند و به‌عنوان مثال دارای شغل، مسکن، کارت‌های هویت جعلی و ... گردند. نتیجتاً این فرایند به این امر منجر خواهد شد که این افراد هرچه بیشتر به‌سوی افراطی‌گری و رادیکال‌شدن پیش رفته و درنهایت در عضوگیری یا تأمین مالی فردی این گروه‌ها نقش‌آفرینی خواهند کرد. براساس گزارش‌ها داعش از طریق عبوردادن محموله‌های قاچاق انسان به ترکیه روزانه حدود نیم‌میلیون دلار درآمد کسب می‌کرد (Demuynck et al, 2021: 63-64).

شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعنامه‌های متعددی قاچاق انسان و مهاجران را محکوم نموده است. شورا در قطعنامه ۲۳۸۸ در سال ۲۰۱۷ از نهادهای وابسته به سازمان ملل می‌خواهد که تلاش‌های خود را برای ارتقای حمایت از انسان در قبال پدیده قاچاق انسان افزایش دهند. مفاد این قطعنامه بعداً در قطعنامه ۷۶/۷ مجمع عمومی سازمان ملل و قطعنامه ۲۰۲۱/۲۵ شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل تکرار شد. شورا در این قطعنامه تأکید می‌کند که قاچاق انسان حاکمیت قانون را تضعیف می‌کند و به سایر اشکال جرایم سازمان‌یافته (از جمله تروریسم) یاری می‌رساند. براساس برآورد سازمان بین‌المللی کار در سال ۲۰۱۴ قاچاق انسان در تمامی شاخه‌های آن درآمدی معادل ۱۵۰/۲ میلیارد دلار در سال تولید می‌کند (Demuynck et al, 2021: 63-64).

۳-۴- آدم‌ربایی و باج‌خواهی

۲۴۶۲ شورای امنیت سازمان ملل متحد از دولت‌های عضو می‌خواهد که تروریسم و تأمین مالی آن را جرم‌انگاری نموده و بیان می‌دارد که جرایم سازمان‌یافته، از جمله قاچاق سلاح از مواردی است که تروریست‌ها می‌توانند از طریق آن منابع مالی خود را جمع‌آوری نمایند.

۳-۳- قاچاق انسان و مهاجرین

قاچاق انسان از شیوه‌های معمول گروه‌های تروریستی برای تأمین مالی خود محسوب می‌شود و بعد از قاچاق مواد مخدر و قاچاق سلاح در رتبه سوم منابع تأمین مالی تروریسم قرار می‌گیرد. براساس پروتکل الحاقی به کنوانسیون مقابله با جرایم سازمان‌یافته فراملی تحت عنوان پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق انسان، قاچاق انسان عبارت است از استخدام، حمل و نقل، انتقال، نگهداری یا تحویل گرفتن افراد با توسل به تهدید یا اعمال زور یا سایر اشکال اجبار، ربایش، فریب، نیرنگ، سوءاستفاده از قدرت یا موقعیت آسیب‌پذیری یا از طریق پرداخت یا دریافت پول یا هر امتیاز مالی برای جلب رضایت شخصی که اختیار فرد دیگری را در دست دارد، به قصد بهره‌کشی حداقل شامل بهره‌کشی از روسپی‌گری دیگران یا سایر اشکال بهره‌کشی جنسی، کار یا خدمات اجباری، برده‌داری یا اعمال مشابه آن، بندگی یا برداشت اعضای بدن خواهد بود.

قاچاق انسان و مهاجران به‌عنوان یک منبع جذاب تأمین مالی گروه‌های تروریستی به‌شدت افزایش یافته و علاوه‌بر تأمین مالی کارکردهای دیگری نیز در رشد و تقویت گروه‌های تروریستی داشته است. به‌عنوان مثال گروه تروریستی تحریک طالبان در پاکستان و داعش از کودکان قاچاق‌شده جهت ارتکاب بمب‌گذاری‌های انتحاری استفاده می‌کرده است (Shelley, 2014: 179). در میان گروه‌های تروریستی، قاچاق انسان بیش از هر گروه دیگری با نام بوکوحرام و داعش شناخته می‌شود. داعش در سال ۲۰۱۴ حدود ۵۰۰۰ نفر از زنان ایزدی‌های عراق را ربود و آن‌ها را در بازارهای برده به حراج گذاشت. براساس گزارش سازمان ملل که در ژانویه ۲۰۱۶، گروه داعش حدود ۸۵۰/۰۰۰ دلار از خانواده ایزدیان عراق برای بازگرداندن ۲۰۰ قربانی آدم‌ربایی دریافت کرده است و برآوردها نشان می‌دهد که در سال ۲۰۱۴ داعش بین ۳۵ تا ۴۵ میلیون

کسب کرد.^۲ همچنین طالبان نیز از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۴ حداقل ۱۶ میلیون دلار از این طریق درآمد کسب کرده است.^۳ شورای امنیت بارها آدم‌ربایی به قصد اخاذی را محکوم نموده و ابراز نگرانی نموده است که باج‌خواهی یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های مجرمانه گروه‌های تروریستی محسوب شده که منجر به تأمین مالی و افزایش عضوگیری این گروه شده و در نهایت توان عملیاتی آن‌ها را تقویت می‌کند (United Nations Security Council Resolution 2133, 2014: para 7).

اگرچه هیچ معاهده مستقلی در نظام حقوق بین‌الملل به‌طور خاص به موضوع آدم‌ربایی برای باج‌خواهی مقرر نشده است، اما مفاد کنوانسیون بین‌المللی علیه گروه‌گنجگیری (۱۹۷۹) که از مهم‌ترین کنوانسیون‌های سیزده‌گانه ضد تروریسم در نظام حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود. همچنین کنوانسیون مقابله با جرایم سازمان‌یافته فراملی (۲۰۰۰) در راستای مقابله با این پدیده حائز اهمیت است، اگرچه کنوانسیون فوق صراحتاً به آدم‌ربایی اشاره نمی‌کند، اما در کنفرانس‌های سالیانه بررسی این کنوانسیون، کشورهای عضو همواره به استفاده از ظرفیت‌های این کنوانسیون برای مقابله با این پدیده تشویق شده‌اند.^۴

با آغاز انتشار سند راهنمای مقابله با آدم‌ربایی از سوی دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل در سال ۲۰۰۶، این نهاد به همکاری با کشورهای عضو جهت مقابله با این تهدید متعهد بوده است و با همکاری با دفتر مقابله با تروریسم سازمان ملل پروژه مقابله با «آدم‌ربایی به قصد باج‌خواهی» را در سال ۲۰۲۱ راه‌اندازی کرده است که هدف آن تقویت ظرفیت‌ها و توانمندی دولت‌ها در مقابله با این تهدید عنوان شده است.

۳-۵- قاچاق میراث فرهنگی و منابع طبیعی

شیوه مجرمانه دیگری که به‌شدت نگران‌کننده است، غارت اموال فرهنگی از جانب گروه‌های تروریستی به‌ویژه در عراق و سوریه و هم‌زمان با ظهور داعش بوده است. براساس گزارش سال ۲۰۱۴ تیم پشتیبانی تحلیل و نظارت بر تحریم‌های داعش

آدم‌ربایی و باج‌خواهی جرایم خشونت‌آمیزی هستند که نه تنها بر اشخاص، بلکه برای جامعه نیز بسیار خطرناک می‌باشند. این روش به یکی از اصلی‌ترین شیوه‌های تأمین مالی گروه‌های تروریستی و امتیازگیری از دولت‌ها و مقامات تبدیل شده است. آدم‌ربایی جهت اخاذی هیچ‌گونه محدودیت جغرافیایی ندارد و براساس مشاهدات تاریخی گروه‌های تروریستی افراد زیادی را در سراسر جهان جهت تأمین مالی خود به گروگان گرفته‌اند. از طریق این عمل جنایتکارانه بسیاری از گروه‌های تروریستی توانسته‌اند از دولت‌ها، شرکت‌ها و افراد ثروتمند که به‌شدت به دنبال بازگرداندن اعضای خانواده یا کارمندان خود بوده‌اند، اخاذی نمایند. از لحاظ تاریخی آدم‌ربایی جهت اخاذی با فعالیت‌های جنایتکارانه بریگادهای سرخ در ایتالیا شناخته شده است. گسترش آدم‌ربایی در این کشور به حدی بود که در دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی بسیاری از ثروتمندان ایتالیایی جهت حفظ امنیت اعضای خانواده خود را جهت زندگی به سایر کشورها انتقال می‌دادند. گروه تروریستی پ.ک.ک نیز از اولین استفاده کنندگان تاکتیک آدم‌ربایی در اروپا محسوب شده و از این شیوه جهت تأمین مالی خود و ارباب مخالفان خود استفاده می‌کردند (Shelley, 2014: 184-187).

داعش نیز در عراق و سوریه به‌شدت از این تاکتیک جهت ارباب در مناطق تحت کنترل خود و به‌ویژه تأمین مالی خود بهره برده است. تیم پشتیبانی تحلیلی و نظارت بر تحریم‌های داعش برآورد کرده است که داعش در یک دوره ۱۲ ماهه بین ۳۵ تا ۴۵ میلیون دلار (تقریباً ۹۶/۰۰۰ دلار تا ۱۲۳/۰۰۰ دلار روزانه) از باج‌خواهی خود درآمد کسب می‌کرده است.^۱ اهمیت باج‌گیری از طریق آدم‌ربایی جهت تأمین مالی داعش آنچنان بود که این گروه واحدی را تحت عنوان «یگان اطلاعاتی باج‌گیری» ایجاد نمود (Demuynek et al, 2021: 59).

براساس برآوردها در این گزارش ابوسیف بین سال‌های ۲۰۰۸ تا اوت ۲۰۱۴ تقریباً ۱/۵ میلیون دلار از پرداخت باج درآمد

^۳ - S/2015/79.

^۴ - Contribution of the Thirteenth United Nations Congress on Crime Prevention and Criminal Justice to the discussions on the post-2015 development agenda , A/CONF/222/5.

^۱ - Letter dated 27 October 2014 from the Chair of the United Nations Security Council Committee pursuant to resolutions 1267 (1999) and 1989 (2011) concerning Al-Qaida and associated individuals and entities addressed to the President of the Security Council, S/2014/770.

^۲ - S/2014/770.

تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی می‌گردد (United Nations Security Council Resolution 2347, 2011). همچنین شورا در قطعنامه ۲۱۹۹ ارتباط میان قاچاق اموال فرهنگی و تأمین مالی تروریسم را مورد شناسایی قرار داده و عنوان می‌دارد که: «گروه‌های فوق‌الذکر توانسته‌اند از طریق قاچاق غارت و قاچاق اشیای فرهنگی منابع کلانی را به‌دست آورند و از همه دولت‌ها می‌خواهد که اقدامات مناسبی را جهت جلوگیری از تجارت چنین اقلامی، از جمله با ممنوع‌کردن تجارت فرامرزی این اقلام اتخاذ نمایند» (UNESCO, 2015: para 17).

سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو) نیز اعلام داشته است که کاوش‌های غیرقانونی در اماکن باستانی در سوریه منبع اصلی قاچاق غیرقانونی اشیای فرهنگی برای فروش در بازارهای سیاه منطقه‌ای و بین‌المللی بوده و به اماکن تاریخی خسارت‌های جبران‌ناپذیری وارد شده است.^۱

علاوه بر قاچاق میراث فرهنگی، موارد بسیار زیادی وجود دارد که گروه‌های تروریستی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از منابع طبیعی، از جمله فلزات گران‌بها، همچون طلا و نقره و مواد معدنی همچون نفت و ذغال سنگ در مناطق تحت کنترل خود بهره‌برداری می‌کنند. به‌عنوان مثال طبق گزارش گروه نظارت بر تحریم‌های تسلیحاتی شمالی و اریتره، درآمد کل صادرات ذغال سنگ از سومالی بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۴ بیش از ۲۵۰ میلیون دلار بوده که براساس برآوردها بیش از یک سوم آن متعلق به گروه تروریستی الشباب بوده است.^۲

داعش در زمان حکومتش در عراق کنترل معدن فسفات عکاشات و کارخانه تولیدی القائم هر دو در استان الانبار و کنترل یک شرکت دولتی تولید فسفات، کنترل بیش از پنج کارخانه سیمان، چند کارخانه استخراج گوگرد در استان نینوا و معدن اصلی تولید نمک سوریه در دیرالزور را در اختیار داشته است (قوامی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۳).

براساس گزارش تیم پشتیبانی تحلیل و نظارت بر تحریم‌های داعش، مهم‌ترین منبع درآمد مستمر داعش فروش غیرقانونی

سازمان ملل متحد حدود ۳۰۰ نفر از اعضای این گروه در سایت باستانی دورا اوروپوس مشغول حفاری بوده‌اند (Letter dated 13 November 2014 from the Chair of the Security Council Committee pursuant to resolutions 1267 (1999) and 1989 (2011) concerning Al-Qaida and associated individuals and entities addressed to the President of the Security Council, S/2014/815). درآمد داعش از قاچاق اموال تاریخی بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیون دلار بوده است. این گروه توانست با اشغال بیش از ۴۵۰۰ سایت باستان‌شناسی به ثروت خود بیفزاید. به‌عنوان مثال در منطقه آل نیوک در غرب دمشق نیروهای داعش توانسته‌اند بیش از ۳۶ میلیون دلار از سرقت آثار باستانی به‌دست آورند (بیدقی و همکاران، ۱۴۰۳: ۹۴). همچنین بنا به برخی گزارش‌ها این گروه بین ۲۲ تا ۵۵ میلیون دلار در سال از قاچاقچیان عتیقه‌جات که اشیای غارت‌شده از عراق و سوریه را به خارج از کشور قاچاق می‌نمودند، مالیات اخذ می‌نموده است.

در حال حاضر کنوانسیون اتخاذ تدابیر لازم برای ممنوع‌کردن و جلوگیری از واردات و صادرات و انتقال مالکیت غیرقانونی اموال فرهنگی یونسکو (۱۹۷۰)، کنوانسیون مؤسسه بین‌المللی یکنواخت‌سازی حقوق خصوصی پیرامون اشیای فرهنگی مسروقه یا غیرقانونی خارج شده (۱۹۹۵) و کنوانسیون شورای اروپا ناظر بر جرایم اموال فرهنگی (۲۰۱۷) اسناد اصلی بین‌المللی مکمل کنوانسیون مقابله با جرایم سازمان‌یافته فراملی (۲۰۰۰) برای مقابله با این جرم سازمان‌یافته محسوب می‌شوند.

شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز در چندین قطعنامه موضوع سودبردن گروه‌های تروریستی از قاچاق اموال فرهنگی را مد نظر قرار داده است. در همین رابطه شورا در قطعنامه ۲۳۴۷ اعلام نمود که هرگونه مشارکت با داعش، جبهه النصره و اشخاص و نهادهای وابسته به القاعده در تجارت اموال فرهنگی می‌تواند منجر به تأمین مالی این گروه‌ها گردد و تخریب غیرقانونی میراث فرهنگی، غارت و قاچاق اموال فرهنگی در صورت بروز درگیری‌های مسلحانه به‌عنوان

²- Report of the Secretary-General on the threat of terrorists benefiting from transnational organized crime, S/2015/366.

¹- Letter dated 13 November 2014 from the Chair of the Security Council Committee pursuant to resolutions 1267 (1999) and 1989 (2011) concerning Al-Qaida and associated individuals and entities addressed to the President of the Security Council, S/2014/815.

قطعنامه ۵۸/۱۳۶ خود در ۲۶ ژانویه ۲۰۰۴ ضمن ابراز نگرانی عمیق خود از پیوند تروریسم با جرایم سازمان‌یافته فراملی، از جمله قاچاق مواد مخدر، پولشویی، قاچاق سلاح و ... از دولت‌های عضو می‌خواهد تا درباره ماهیت این پیوند به شخص دبیرکل سازمان ملل گزارش بدهند (United Nations General Assembly Resolution 58/136, 2004: para 17). اطلاعات دریافتی از سوی دولت‌ها نشان داد که ارتباط بین تروریسم و جرایم سازمان‌یافته بیشتر یک پیوند با ماهیت عملیاتی، تدارکاتی یا تأمین مالی بوده است و این دو دارای اتحادی عمیق با یکدیگر هستند.

علاوه بر قطعنامه‌ها و کنوانسیون‌های فوق‌الذکر مجمع عمومی، موضوع مقابله با تأمین مالی گروه‌های تروریستی از جرایم سازمان‌یافته در سند استراتژی جهانی مقابله با تروریسم سازمان ملل متحد مصوب ۲۰۰۶ که به‌عنوان مهم‌ترین سند حقوقی راهبردی تصویب‌شده از سوی این نهاد در مبارزه با تروریسم تلقی می‌گردد و در سال ۲۰۲۳ برای هشتمین بار مورد بازبینی قرار گرفت مورد اشاره قرار گرفته است (United Nations General Assembly Resolution 77/298, 2023).

موضوع تأمین مالی تروریسم ناشی از مداخله در جرایم سازمان‌یافته به‌طور خاص مورد توجه شورای امنیت سازمان ملل قرار گرفته است. در اولین تلاش‌های شورای امنیت در این رابطه این نهاد متعاقب حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر با صدور قطعنامه ۱۳۷۳ براساس فصل هفتم منشور پیوند میان تروریسم و جرایم سازمان‌یافته را به‌عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی نموده و دولت‌ها را به واکنش به این تهدید ملزم می‌نماید (United Nations Security Council Resolution 1373, 2001: para 4).

اگرچه در این قطعنامه شورای امنیت به‌صراحت از موضوع تأمین مالی تروریسم از طریق مداخله تروریست‌ها در جرایم سازمان‌یافته فراملی نام نبرده، اما با توجه به نگاه ویژه این قطعنامه به مقابله با تأمین مالی تروریسم این امر به روشنی

نفت و توانایی این گروه برای قاچاق نفت با استفاده از تانکرهای نفت بوده است. بنا به گزارش این نهاد داعش در زمان اشغال عراق چندین میدان نفتی را در تصرف داشته و قادر بوده که روزانه تا دو میلیون دلار در روز از این پروسه درآمد کسب کند.^۱ درخصوص مشارکت گروه‌های تروریستی در قاچاق منابع طبیعی، شورای امنیت در قطعنامه ۲۴۸۲ خود در سال ۲۰۱۹ در مورد بهره‌برداری و قاچاق غیرقانونی منابع طبیعی، مانند فلزات گران‌بها همچون طلا، نقره، مس و الماس از سوی گروه‌های تروریستی ابراز نگرانی نموده و کشورهای عضو را به ادامه تلاش‌ها برای پایان دادن به تجارت غیرقانونی منابع طبیعی به‌منظور اطمینان حاصل کردن از این که گروه‌های تروریستی و شبکه‌های مجرمانه نتوانند از این منابع بهره‌برداری و تأمین مالی شوند، ملزم نموده است (UNESCO, 2019: para 13, 14).

۴- ممنوعیت تأمین مالی گروه‌های تروریستی ناشی از ارتکاب جرایم سازمان‌یافته در نظام حقوق بین‌الملل

اگرچه کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم (۱۹۹۹) مکانیزم اصلی در مقابله با این پدیده محسوب می‌شود، اما با توجه به کارکرد پررنگ جرایم سازمان‌یافته در تأمین مالی گروه‌های تروریستی، لذا جامعه جهانی توجه ویژه به این امر داشته و در اسناد مختلف بین‌المللی به آن پرداخته است. در این راستا کنوانسیون مقابله با جرایم سازمان‌یافته فراملی (۲۰۰۰) که در مقدمه خود دو بار به رشد پیوند میان تروریسم و جرایم سازمان‌یافته اشاره داشته است و همچنین قطعنامه ۱۳۷۳ از سوی شورای امنیت به‌عنوان نقطه عطفی در نظام حقوق بین‌الملل درخصوص مقابله با تأمین مالی تروریسم از جرایم سازمان‌یافته محسوب می‌شود، اما نقطه آغازین توجه جامعه جهانی به این موضوع به دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی برمی‌گردد که در آن مجمع عمومی در چندین قطعنامه خود از این امر ابراز نگرانی کرده است.^۲ به‌دلیل گسترش سودبردن گروه‌های تروریستی از ارتکاب جرایم سازمان‌یافته، مجمع عمومی در

^۲- See United Nations General Assembly Resolutions GA/RES/44/142 (1989), GA/RES/45/149 (1990), GA/RES/46/103 (1991), GA/RES/47/102 (1992), GA/RES/48/112 (1993).

^۱- Letter dated 13 November 2014 from the Chair of the Security Council Committee pursuant to resolutions 1267 (1999) and 1989 (2011) concerning Al-Qaida and associated individuals and entities addressed to the President of the Security Council, S/2015/815.

مالی تروریسم بوده و هر دو قاعده تقابل جهانی با تروریسم بین‌المللی را تسهیل می‌کنند.

نتیجه‌گیری

تأمین مالی گروه‌های تروریستی از اشکال مختلف جرایم سازمان‌یافته در سال‌های اخیر به یک تهدید جدی علیه صلح، ثبات و امنیت ملی و بین‌المللی تبدیل شده است. در این میان فاکتورهایی مانند مخاصمات داخلی و بین‌المللی، عدم ثبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، ضعف در حاکمیت قانون، وجود مرزهای متخلخل، فساد گسترده، حکمرانی نامطلوب، فقر و نقض فاحش حقوق بشر در جوامع باعث شکوفاشدن پیوند تروریسم و جرایم سازمان‌یافته شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد باتوجه به اهمیت مضاعف منابع مالی در رشد و گسترش تروریسم بین‌المللی، خشکاندن شریان‌های مالی اصلی‌ترین تعهد کشورها در مبارزه تروریسم محسوب می‌شود و باتوجه به نقش حیاتی ارتکاب جرایم سازمان‌یافته در تأمین مالی گروه‌های تروریستی، لذا مقابله با این جرایم نیز یکی از مهم‌ترین پیش‌شرط‌های مقابله با تروریسم محسوب می‌شود. بدون شک تصویب کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم (۱۹۹۹) از سوی دولت‌ها و اجرای قطعنامه‌های ضدتروریسم شورای امنیت به‌ویژه قطعنامه ۱۳۷۳ و همچنین پیوستن دولت‌ها به کنوانسیون مقابله با جرایم سازمان‌یافته فراملی (۲۰۰۰) و کنوانسیون‌های بین‌المللی که اشکال خاص جرایم سازمان‌یافته فراملی، از جمله قاچاق مواد مخدر، قاچاق سلاح و ... را هدف قرار داده‌اند تا حدود بسیار زیادی می‌تواند خلأهای قانونی و عملیاتی مقابله با سودبردن تروریست‌ها از این جرایم را مرتفع سازد. تجربیات جامعه جهانی در مقابله با تروریسم نشان می‌دهد که هیچ کشوری به تنهایی نمی‌تواند با این پدیده مجرمانه مقابله کند و لذا همکاری‌های بین‌المللی میان دولت‌ها در این رابطه با این تهدید جهانی باید افزایش یابد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

قابل استنباط است. با ظهور داعش در سال ۲۰۱۴ که به شدت از طیف وسیعی از جرایم سازمان‌یافته منتفع می‌شد، شورای امنیت با صدور قطعنامه ۲۱۹۵ در سال ۲۰۱۵ به موضوع بهره‌مندشدن تروریست‌ها از جرایم سازمان‌یافته پرداخته و بر اهمیت این جرایم در تأمین مالی تروریسم تأکید می‌ورزد. درنهایت شورای امنیت در مهم‌ترین قطعنامه خود در این خصوص، یعنی قطعنامه ۲۴۸۲ در سال ۲۰۱۹ دولت‌ها را به قطع پیوند گروه‌های تروریستی و جرایم سازمان‌یافته مکلف می‌کند و از دولت‌ها می‌خواهد که به‌منظور دستیابی به اهداف مقرر در این قطعنامه، تصویب و اجرای کنوانسیون‌های سه‌گانه ضد مواد مخدری سازمان ملل متحد، کنوانسیون‌های سیزده‌گانه ضد تروریسم سازمان ملل و پروتکل‌های الحاقی به آن‌ها، کنوانسیون مقابله با جرایم سازمان‌یافته فراملی (۲۰۰۰) و پروتکل‌های منضم به آن و همچنین کنوانسیون مقابله با فساد (۲۰۰۳) را در اولویت اقدامات خود قرار دهند (United Nations Security Council Resolution 2195, 2014: para 3). همان‌طور که مشهود است، شورای امنیت در این قطعنامه صرفاً تکیه بر اسناد حقوقی بین‌المللی ضد تروریسم را برای مقابله با سودبردن تروریست‌ها از جرایم سازمان‌یافته فراملی (به‌ویژه تأمین مالی) را کافی ندانسته و دولت‌ها را به تصویب کنوانسیون‌هایی که به‌طور خاص کلیت جرایم سازمان‌یافته یا اشکال خاص آن، از جمله مواد مخدر و فساد را هدف قرار داده‌اند، ملتزم نموده است. به عبارت دیگر شورای امنیت مبارزه با سودبردن تروریست‌ها از جرایم سازمان‌یافته را در یک «مکانیزم حقوقی جمعی» و نه صرفاً مبتنی بر مکانیزم حقوقی بین‌المللی ضد تروریسم مد نظر قرار داده است و در بند اول این قطعنامه بر ضرورت «کار جمعی» برای جلوگیری و مبارزه با تروریسم در تمامی اشکال و شیوه‌های آن، از جمله سودبردن تروریست‌ها از جرایم سازمان‌یافته تأکید می‌کند (United Nations Security Council Resolution 2195, 2014: para 1).

لازم به ذکر است که مبتنی بر اسناد فوق‌الذکر شکل‌گیری قاعده نوین «قطع پیوند تروریسم و جرایم سازمان‌یافته» در نظام حقوق بین‌الملل تکمیل‌کننده قاعده بنیادین ممنوعیت تأمین

Nexus between Small Arms, Light Weapons and Terrorist Financing”. *The Hague: International Centre for CounterTerrorism - The Hague (ICCT)*, 1-138.

- FATF Report (2018). *Financial Flows from Human Trafficking*. Paris: FATF.

- FATF Report (2021). *Ethnically or Racially Motivated Terrorism Financing*. Paris: FATF.

- Freeman, M (2011). “The Source of Terrorist Financing; Theory and Typology”. *Studies in Conflict*, 34(6): 461-475.

- Hartelius, J (2008). *Narco Terrorism*. Policy Paper, East West Institute and the Swedish Carnegie Institute, p.1-21.

- Hoffman, B (1988). *Inside of Terrorism*. 1st edition, New York: Columbia University Press.

- Mullins, S (2016). “The Road to Orlando: Jihadist Inspired Violence in the West, 2012-2016”. *Combating Terrorism Center*, 9(6): 26-30.

- Rana, R & Modisti, K (2017). “*The Linkage between Illicit Drug Trafficking and Terrorist Groups*”. Old Dominion University Model United Nations (ODUMUNK), First Committee: Disarmament and International Security, p.1-8.

- Sari, I (2015). “The Nexus Between Terrorism and Organized Crime: Growing Threat?”. *Yil*, 463-503.

- Schneider, F & Caruso, R (2011). “The (Hidden) Financial Flows of Terrorist and Transnational Crime Organizations: A Literature Review and Some Preliminary Empirical Results”. *Economics of Security Working Paper Series 52, DIW Berlin, German Institute for Economic Research*, 1-34.

- Shelley, LI (2014). *The Business of terrorism and criminal Financing of Terrorism*. In: *Dirty Entanglements: Corruption, Crime and Terrorism*, New York: Cambridge University Press, p.173-217.

- UNESCO (2015). United Nations Security Council Resolution 2199. Para.17.

- UNESCO (2019). United Nations Security Council Resolution 2482. Para.13, 14.

سهام نویسندگان: برابر.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- بیدقی، باقر؛ بلوری، پیمان و ذولقدر، مالک (۱۴۰۳). «نقش شورای امنیت سازمان ملل متحد در حفاظت از میراث فرهنگی». *مجله پژوهش‌های حقوقی*، ۲۳(۵۸): ۸۱-۱۱۶.

- قوامی، میرحسن؛ دانشور دیلمی، محمدرضا و قضاتی، امیررضا (۱۳۹۶). «روش‌ها و منابع تأمین مالی جریان تروریستی داعش و راهکارهای مقابله با آن‌ها». *فصلنامه اقتصاد دفاع و توسعه پایدار*، ۲(۵): ۱۲۹-۱۴۸.

- قهرمانی افشار، نیوشا و عزیزاده قلیلو، سعید (۱۳۹۴). «بررسی جرایم سازمان‌یافته با تأکید بر قاچاق مواد مخدر و راهکارهای پیشگیرانه آن». *فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد*، ۲(۷): ۱۲۳-۱۵۰.

- گلبجانی مقدم، حامد؛ شریفی طرازکوهی، حسین؛ تقی‌زاده انصاری، مصطفی و نیاورانی، صابر (۱۴۰۳). «واکاوی نقش قاچاق مواد مخدر در گسترش تروریسم بین‌المللی». *فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا*، ۱(۳۱): ۷۵-۱۰۸.

ب. منابع انگلیسی

- Aliu, M; Bektashi, M; Sahiti, A & Sahiti Ramushi, A (2017). “A Review of Sources on Terrorist Financing”. *Acta Universitatis Danubius Juridica*, 13(1): 97-108.

- Clarke, CP (2020). “Small Arms and Light Weapons (SALW) Trafficking, Smuggling, and Use for Criminality by Terrorists and Insurgents: A Brief Historical, Overviewp”. *Report of International Centre for Counter-Terrorism (ICCT)*, 1-16.

- Demuyneck, M; Mehra, T; Clarke, C & Duquet, N (2021). “Cashing in on Guns: Identifying the

- United Nations General Assembly Resolution 58/136. (2004). Para.11.
- United Nations General Assembly Resolution 77/298 (2023).
- United Nations Office on Drugs and Crime, World Drug Report (2017).
- United Nations Security Council Resolution 1373 (2001). Para.4.
- United Nations Security Council Resolution 2133 (2014). Para.7.
- United Nations Security Council Resolution 2195 (2014). Para.1, 3.
- United Nations Security Council Resolution 2347 (2017).
- Weiss, G (2011). *The Cage: The Fight for Sri Lanka and the Last Days of the Tamil Tigers*. London: Bodley Head.
- Windle, J (2018). *Fundraising, Organised Crime and Terrorist Financing*. Edited by Slike, A, The Routledge Handbook of Terrorism and Counter Terrorism, Abingdon: Routledge, 1-16.